

<b>کین امروز</b>	
<b>روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی گیلان</b>	
<b>صاحب امتیاز و مدیر مسوول: محمدکاظم شکوهی راد</b>	
<b>رشت - خیابان آیت‌ا...احسان بخش (صیقلان - تختی) ساختمان توسکا</b>	
<b>طبقه ۳ کدپستی:۰۳۲۴۱۷۲۳۸۴۱۷۲۳۸</b>	
<b>تلفن: ۰۳۲۲۶۸۱۱۲ - ۰۳۲۲۶۸۱۱۵</b>	<b>فکس<span> </span>: ۰۳۲۲۶۸۱۱۴</b>
<b>دفتر مازندران- مقدسی</b>	<b>تلفن:۰۹۱۱۹۱۲۹۱۰۸</b>
<b>لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر نوین</b>	<b>تلفن:۰۳۲۲۴۰۷۱۶-۰۳۲۲۴۰۷۲۷-۳۲۲۲</b>
<b>http://gilan-today.com</b>	
<b>پست الکترونیک:gilantoday@gmail.com</b>	

## اندازهٔ کل عالم چقدر است؟

چیز را غیرممکن می‌کند.

در مورد کل کیهان، عامل محدودکننده متفاوت است و آن سرعت نور است. اگر دنیای ما ثابت و بدون تغییر بود (فرضی که حقیقت ندارد) دورترین چیزی که می‌توانستیم ببینیم ۱۴ میلیارد سال نوری با ما فاصله



داشت، چون اگر یک شیء به این دوری، در لحظه‌ی آغاز دنیا نوری ساطع کرده باشد، آن نور باید حالا به زمین رسیده باشد. نور ساطع‌شده از شیء‌ای که در فاصله‌ی ۱۵ میلیارد سال نوری واقع است برای یک میلیارد سال بعدی هم به زمین نخواهد رسید، پس ما قادر به دیدن آن نخواهیم بود.

در دنیای ثابت فرضی ما، دنیای مرئی کره‌ای خواهد بود که زمین را احاطه می‌کند و شعاع آن ۱۴ میلیارد سال نوری است. شاید کل دنیا بزرگ‌تر از این باشد، اما هیچ راهی برای دانستن آن نداریم، چون نور مکان‌های دورافتاده‌تر هنوز به ما نرسیده است.

**دنیای واقعی ما**

کیهان ساکن نیست و این حقیقت اوضاع را پیچیده می‌کند. دنیا از انفجار بزرگ آغاز شد و آن «انفجار» سبب بزرگ شدن دنیا شد. نور در جریان حرکت باید با این بزرگی بچنگد و به همین سبب زمان بیشتری طول می‌کشد تا به ما برسد. برای درک بهتر این

موضوع، فرض کنید کودکی در ده متری شما ایستاده و توپی را با سرعت دو متر بر ثانیه به سمت شما غلت می‌دهد. ۵ ثانیه طول می‌کشد تا توپ به شما برسد. حالا، تصور کنید ما همین موقعیت مشابه را داریم و شما روی زمین محکم ایستاده‌اید، اما کودک روی یکی

از پیاده‌روهای متحرک (شبهه پیاده‌روهای متحرک فرودگاه) است. فرض کنید پیاده‌روی متحرک با سرعت یک متر بر ثانیه در حال دور شدن از شماست. به خاطر حرکت پیاده‌روی متحرک، به جای ۵ ثانیه، ۱۰ ثانیه طول می‌کشد تا توپ به شما برسد. افسوس که موضوع حتی از این هم پیچیده‌تر می‌شود. در حالی که کودک حین پرتاب توپ ده متر از شما دور بود، به دلیل حرکت پیاده‌روی متحرک، زمانی که توپ به شما برسد کودک ۲۰ متر از شما دور خواهد شد. همین اتفاق پس از انفجار بزرگ برای نور مرئی پیش آمده است. آن نور ۱۴ میلیارد سال سفر کرد تا حالا به زمین برسد و درست مانند کودک ایستاده روی پیاده‌روی متحرک، مکان کنونی هر چیزی که آن نور اولیه را ساطع کرده دیگر ۱۴ میلیارد سال نوری با ما فاصله ندارد، بلکه فاصله‌ی آن با ما حالا ۴۶ میلیارد سال نوری است. ما نور را از جایی که ساطع شده می‌بینیم، نه از جایی که منبع انتشار کنونی آن است.

## پنج درس زندگی از پنج فیلسوف باستان

اگر این اتفاق به طور مکرر رخ بدهد، تمایلاتِ سطحی و نیاز به رسمیت شناخته شدن بر ما غلبه میکنند:

«این نوع موقعیت، وقتی عناصر ذهن آشفته‌اند و جایشان عوض شده موقعیتی است که بی‌عدالتی، بی‌انضباطی، بزدلی، جهل و به طور خلاصه شرارت از تمام انواع آن را به وجود می‌آورد.»اما اگر برعکس پیرو عقل



باشیم ذهن ما خشنود و سالم خواهد بود.

۳. لذت‌هایتان را عاقلانه انتخاب کنید (اپیکوروس)

اصرار افلاطون مبنی بر هدایت ما توسط عقل بدون تردید ارزشمند است، اما اپیکوروس تعادلی را پیشنهاد می‌کند که بسیار به آن نیاز داریم. اپیکوروس از ما می‌خواهد به جای اجتناب از لذت، گزینش کنیم. استدلال او این است که لذت یک امر طبیعی است و تجربه‌ی آن به ما احساس رضایت می‌دهد. برای مثال، خوردن تا زمانی که سیر شویم یک امر طبیعی است، اما خوردن بیش از حد غیرطبیعی است و بدن ما پس از پرخوری ممکن است به جای رضایت، احساس درد کند و ذهن ما درگیر احساس گناه شود. این رفتار به مرور انتظار «بیش از نیاز خواستن» را در ما شرطی می‌کند.

اپیکوروس با مینا قرار دادن این مثال توصیه می‌کند به طور کلی از زیاده‌روی اجتناب کنیم. فراوانیِ شهرت، پول، غذا و نوشیدنی سیری‌ناپذیر

## امروز و هر روز با گیلان امروز

**۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳**
**۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵**

**Gilan-today.com**

**همکاران گیلان امروز :**

**وحید اسماعیلی (مسئول تحریریه)، حسین عنبری، سعید سیمیاری، علیرضا خانی، احمد خدمتگزار**

**نسرین شکوهی راد، وحیده اسماعیلی، شهبلا ابراهیم زاده، فرشته فتوحی، سمیرا بشارت و سعیده قرشی**

**شهرستانها :** یاشار مقدم، یدالله کشاورز و محبوبه شالی

**مازندران :**مقدسی

#### تاریخ

### آیا نرون در هنگام آتش‌سوزی

### شهر رم ویولن می‌زد؟!

**گیلان امروز**– نرون، امپراتور رم از قرار معلوم به خاطر نواختن ویولون در بحبوحه‌ی به آتش کشیده شدن رم در ردیف بدنام‌ترین فرمانروایان این امپراتوری قرار دارد. اما آیا این اتفاق واقعا رخ داده است و آیا نرون واقعا سوزار این بدنامی است؟

به گفته‌ی فرانچسکا بولونیایی باستان‌شناس که سرپرست پروژه‌ی نرون در موزه‌ی بریتانیا در لندن است، نرون زاده‌ی ۱۵ دسامبر سال ۳۷ میلادی، پنجمین امپراتور رم و آخرین دودمان ژولیو کلودین بود، سلسله‌ای که امپراتوری را پایه‌گذاری کرد.

نرون تنها ۲ سال داشت که مادرش آگریپینای جوان نوه نخستین امپراتور رم آگوستوس توسط امپراتور کالیگولا تبعید شد. در ۳ سالگی، پدر نرون گناتوس دومیتیوس آهنینوپریس درگذشت و سرپرستی نرون به عمه‌اش واگذار شد. زمانی که کالیگولا در سال ۴۱ پس از میلاد به قتل رسید و امپراتور کلادئوس جانشین او شد، نرون بار دیگر به آگریپینا که بعدها با عموی او کلادئوس ازدواج کرد، پیوست.

کلادئوس به رغم داشتن فرزند پسر بیولوژیکی، نرون را به عنوان برادرزاده و پسرخوانده‌ی بزرگ خود برگزید و او در سال ۵۴ پس از میلاد در سن ۱۶ سالگی به قدرت رسید. اما مدت‌زمان سلطنت او کوتاه بود: نرون سال ۶۸ پس از میلاد در سن ۳۰ سالگی جان خودش را گرفت.

مورخان رومی ادعا کرده‌اند که نرون، آگریپینا و دو تن از همسران او را کشت؛ او تنها به هنر خودش اهمیت می‌داد و علاقه‌ی بسیار کمی به حکمرانی امپراتوری داشت. با این حال، هارولد دریک استاد بازنشسته‌ی تاریخ دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید: «منابع ما از نرون مردمانی هستند که از او نفرت داشتند.» همیشه باید به خاطر داشت که بخش زیادی از بدنامی نرون «به قلم دشمنان او برای ما نوشته شده است.» بولونیا نیز با این گفته موافق است و می‌افزاید که راویان «مشتاق بودند نرون را به بدترین شکل ممکن نشان دهند.»

دریک می‌گوید نرون در جولای سال ۶۴ پس از میلاد در آنتیوم (شهر ساحلی باستانی در لاتیوم، جنوب رم) استراحت می‌کرد و آنجا بود که خبری که بعدا به «آتش‌سوزی بزرگ رم» معروف شد به گوش او رسید. پیش از توقف آتش‌سوزی بزرگ، ۱۴ منطقه از ۱۴ منطقه‌ی رم با خاک یکسان شدند و هزاران نفر در شهر ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفری همه چیزشان را از دست دادند.

دریک اشاره می‌کند که نرون با عجله به رم بازگشت، پناهگاه‌های اضطراری و تدارکات غذا و نوشیدنی را برای مردم مهیا کرد و قصر و باغ‌هایش را برای برپایی پناهگاه در اختیار مردم گذاشت. بنابراین، اگر نرون هنگام شروع آتش‌سوزی در رم نبوده است پس منشا شایعه‌ی «ویولون نواختن او» در حالیکه پایتخت امپراتوری در حال سوختن بود، چیست؟

نرون در خیالاتی که داشت خودش را موسیقیدان تصور می‌کرد. حین تلاش‌های امدادی، شایعه شد که او با نغمه‌سرایي از آتش‌سوزی بزرگ دیگری (یعنی سقوط تروا) سعی داشت به خودش تسلی بدهد. دریک می‌افزاید: «او برای مقابله با آتش هر کاری که از دستش برمی‌آمد انجام داده بود و به شدت خسته بود. از آنجا که در وجودش میل به هنر داشت با مقایسه‌ی این فاجعه با سقوط تروا تلاش می‌کرد به خودش تسلی بدهد. رومی‌ها دوست داشتند خودشان را به واسطه‌ی آییناس (از قهرمانان تروا) از نسل تروا بدانند.»

با این حال، حتی اگر نرون حین سوخته شدن رم در حال نواختن ساز بوده، آن ساز ویولن نبوده، چون سازهای آرشه‌ای تا ۱۰۰۰ سال پس از آن واقعه رایج نشدند. احتمالاً نرون خودش را با یک کیتارا (ساز قدیمی از خانواده‌ی چنگ) سرگرم کرده بود. رومیان سابقه‌ی چنین رفتارهایی را داشتند. برای نمونه، پولیبیوس مورخ می‌نویسد که وقتی ژنرال رومی اسکمیو امیلیانوس نابود شدن «کارتاژ» را نظاره می‌کرد نقل‌قولی از «بلیاد» به زبان آورد با این مضمون که «زمانی خواهد آمد که ایلیوم مقدس سقوط خواهد کرد و پریام و مردمانش …». او به کارتاز فکر نمی‌کرد بلکه ترشش را نسبت به سرنوشت مشابهی که در انتظار رومیان بود ابراز می‌کرد.

نرون پس از آتش‌سوزی بزرگ رم به صاحبخانه‌ها کمک مالی کرد تا املاکشان را از آوار و مخروبه پاک کنند و به نوسازی خانه‌هایشان روی بیاورند. نرون منبع کافی آب شهر را تضمین کرد و اصرار داشت در بازسازی خانه‌ها به جای چوب از سنگ استفاده کنند و خیابان‌ها را صاف و عریض کنند. دریک می‌گوید: «آیا این رفتار یک آدم دیوانه است؟»

حالا چرا تاریخ باید از نرون به عنوان یک حاکم بد یاد کند؟ تقریباً هر چیزی که دنیای امروزی درباره‌ی نرون می‌داند از دو منبع است: سنارتورهای رومی و مسیحیان. از دید هر دوی این‌ها، نرون دشمن بود. دریک می‌گوید: «به طور کلی، سنارتورها عاشق افراط کردن در فانتری جمهوری احیاشده‌ی خودشان بودند به همین دلیل گاهی‌اوقات در توطئه‌های ترور مشارکت می‌کردند و گاهی از واکنش‌های خصمانه‌ی امپراتور عصبانی می‌شدند.»

در مورد مسیحیان، تاسیتوس سناتور و مورخ رومی اشاره می‌کند که از آنجا که شایعه‌ای پخش شد مبنی بر اینکه نرون مسئول آتش‌سوزی بود، او در میان مسیحیان به دنبال سیربالا بود. نتیجه‌اش این شد که بسیاری در اثر آویخته شدن از صلیب، آتش و به طرق دیگر کشته شدند. این اتفاقات منجر به این شد که مسیحیان نرون را برای شکنجه‌هایی که باید از سوی امپراتوری روم تحمل می‌کردند، سرزنش کنند.

در آخر، به عقیده‌ی دریک شاید نرون دیوانه نبود، اما در طول دوران سلطنت خود به طور فزاینده‌ای بی‌ثبات شد. به نقل از هارت آل بوستای، نویسنده‌ی کتاب «نرون و هنر استبداد»، پس از آتش‌سوزی بزرگ رم، گروهی از خواص تلاش کردند او را ترور کنند و نرون به شدت گرفتار کزپنداری شد.» شاید با در نظر گرفتن تمام اتفاقاتی که برای نرون افتاد، هرگونه بی‌ثباتی در اواخر عمر او تعجب‌آور نباشد.

به این ترتیب، اخترشناسان می‌توانند با قطعیت بگویند که دنیای مرئی (کره‌ای اطراف زمین تا فاصله‌ی قدیمی‌ترین چیزی که می‌توانیم ببینیم) ۹۲ میلیارد سال نوری قطر دارد (یعنی لیه به لیه).

**پس دنیا چقدر بزرگ است؟**

تا اینجا از دنیای مرئی گفتیم، اما کل دنیا چطور؟ چگونه از بخش‌هایی از دنیا سرداروریم که هنوز آن‌ها را ندیده‌ایم؟ اینجاست که موضوع جالب می‌شود. شاید تعجب‌آور باشد، اما ستاره‌شناسان ۱۰۰ درصد اطمینان ندارند که هندسه‌ی فضا را می‌شناسند، شاید مسطح باشد و شاید هم منحنی. در حالی که فضا سه‌بعدی است، می‌توانیم از یک قیاس دوبعدی برای درک معنای آن استفاده کنیم.

در دو بُعد، معنای مسطح مسطح است، درست مانند سطح یک میز. با این حال، یک سطح دو بعدی می‌تواند منحنی باشد درست مانند سطح یک کره، اما می‌تواند مانند سطح یک زین هم منحنی باشد. اگر مانند سطح یک کره منحنی باشد به این معناست که اگر یک سفینه‌ی فضایی فوق‌سریع داشتید و به قدر کافی طولانی سفر می‌کردید، می‌توانستید سفرتان را در همان نقطه‌ی آغاز به پایان برسانید درست مثل هواپیمایی که در امتداد استوای زمین پرواز می‌کند.

اخترشناسان داده‌ها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که فضا مسطح یا نزدیک به مسطح است. با این حال، این تصمیم حاصل اندازه‌گیری است و اندازه‌گیری‌ها توام با عدمقطعیت هستند؛ بنابراین این امکان وجود دارد که دنیا خمیدگی بسیار کوچکی داشته باشد. اما اگر منحنی باشد، پس معادل «استوای جهان» حداقل ۵۰۰ برابر بزرگ‌تر از جهان مرئی است یا احتمالاً بزرگ‌تر از آن.

در نتیجه، اخترشناسان به رغم ندانستن اندازه کل دنیا، می‌دانند که آن حداقل ۵۰۰ برابر بزرگ‌تر از چیزبست که ما می‌توانیم ببینیم. (این رقم نشان‌دهنده‌ی فاصله‌یاست که کسی باید طی کند تا به مکان آغازین شما بازگردد.) همان‌طور که حجم یک مکعب، فاصله‌ی آن در امتداد دو سوی مکعب است، اندازه‌ی کل دنیا حداقل ۱۲۵ میلیون بار بزرگ‌تر از دنیای مرئی است. نکته‌ی پایانی اینست که دنیای مرئی فوق‌العاده بزرگ و کل دنیا بی‌نهایت عظیم است.

است؛ بنابراین باید در جستجوی لذت‌هایی باشیم که حس رضایت طولانی‌مدت را برای ما به ارمغان بیاورند.
۴. با انسان‌های شریف دوست شوید (ارسطو)
ارسطو نیز مانند افلاطون در طول عمرش به موضوعات گوناگونی از جمله اهمیت دوستی پرداخت. او باور داشت کیفیت مهم‌تر از کمیت است بنابراین زیاد بودن دوستان از دید او ملاک بالارزشی نبود. دوستی‌های ضعیف بر مبنای دو چیز است: فایده یا لذت. یک رابطه‌ی کاری مثالی از دوستی بر مبنای فایده است و علاقه‌ی مشترک در یک فعالیت یا موضوع خاص مثالی از دوستی بر مبنای لذت است. در عین حال، قوی‌ترین دوستی‌ها بر مبنای حسن‌نیتِ متقابل شکل می‌گیرند: «. دوستان واقعی خیرخواه دوستان خود هستند … دوستی آن‌ها تا آنجا ماندگارست که خوب هستند و خوبی خصلتی‌ست جاودان.»

از این رو دوستی با انسان‌های شریف امری‌ست حیاتی‌چرا که خوبی و وفاداری جوهره‌ی وجود انسان‌های شریف است و خیانت و تشویق به شرارت از آن‌ها بعید است. دوستی بر پایه‌ی حسن‌نیت و فضیلت به سادگی شکل نمی‌گیرد، اما بالارزش‌ترین نوع دوستی‌ست.
۵. سوال پرسید (سقراط)

بدون تردید این فهرست از درس‌های زندگی که برگرفته از فلسفه‌ی یونانی است بدون سقراط کامل نمی‌شود. با این حال، مسئله این است که هیچ منبعی از سقراط وجود ندارد چرا که او بسیار اندک می‌نوشت. مورخان این مسئله را «مسئله‌ی سقراطی» می‌نامند. خوشبختانه دانسته‌های ما از این بزرگ‌مرد تاریخ فلسفه به لطف فلاسفه‌ی دیگر است. زنونف که هم سرباز و هم فیلسوف بود در خصوص سقراط می‌گوید: «من هرگز کسی را نمی‌شناختم که به اندازه‌ی او به فهمیدن دانسته‌های دوستانش اهمیت بدهد.» تصویر افلاطون در سرتاسر دیالوگ‌های بیشماری که دارد مشابه همین است. سقراط آزازگر مباحثات بود و همیشه دانش را با کنجکاوی متعادل می‌کرد. در واقع، سقراط به خاطر پرسش‌هایش شهرت داشت. او عاشق آموختن بود. با نظر به اینکه معنای تحت‌اللفظی کلمهٔ «فیلسوف» در یونان باستان «عاشق خرد» است، سقراط را پدرخوانده‌ی فلسفه‌ی غربی می‌نامند. پذیرش جهل و سوال پرسیدن نخستین گام به سوی روشنگری است. اگر همگی ما مثل سقراط عمل می‌کردیم، قطعاً دنیای بهتری داشتیم.